

## فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل

سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

صفحات: ۲۸۴-۲۵۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶



### مبانی نظری اجرای علنی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی

( بررسی نظریه جرم‌شناسی جامعه‌شناختی برجسب زنی )

حمید بابایی<sup>۱</sup>، محمود قیوم زاده<sup>۲\*</sup>، محمد رسول آهنگران<sup>۳</sup>

### چکیده

در هر نظام کیفری، شیوه اجرای مجازات، متأثر از مبنا و اهداف مجازات در آن نظام کیفری بوده و در راستای تحقق آن اعمال می‌گردد. مبنای مجازات از دیدگاه اسلام، هر چند تلفیقی از دو اصل عدالت و اصل فایده است، لکن بیشترین تأکید بر تحقق آثار و نتایج حاصل از مجازات صورت گرفته است. با بررسی آموزه‌های کیفری اسلام در خصوص اهداف مجازات به این نتیجه می‌رسیم که مهمترین اثر و نتیجه‌ای که اجرای مجازات در راستای تحقق آن صورت می‌گیرد، اصلاح و تربیت مجرم است. اجرای مجازات در ملاءعام، نه تنها این هدف اساسی را تأمین نمی‌نماید بلکه تحقق آن را غیرممکن و یا دشوار می‌سازد. نگارنده با بررسی فقهی مسأله اجرای مجازات در ملاءعام، به این نتیجه رسیده است که دلیل شرعی بر وجوب و یا استحباب اجرای مجازات اعم از قصاص، تعزیرات و حدود در ملاءعام وجود نداشته و ادله فقهی مورد ادعا، تنها بر حضور عده‌ای معدود از افراد مؤمن و مورد اعتماد، دلالت دارد. با توجه به قیود الطائفه و من المومنین در آیه ۲ سوره نور و عبارت لایقیم الحد من الله علیه حد در روایات و تعابیر فقها نسبت به اینکه «مومنین شرکت کننده به هنگام اجرای حد، بایستی افرادی برگزیده و عادل و مورد اعتماد باشند و همچنین احادیثی که حاکی از واکنش منفی امامان معصوم (ع) نسبت به حضور جمعیت فراوان و همچنین حضور افراد لایابالی و بی‌مایه بود استفاده می‌شود. فلسفه حضور این عده بهنگام اجرای حد، در برخی مجازات‌ها، گواهی دادن نسبت به اجرای حتمی و قطعی آن بوده و در برخی دیگر همچون رجم، مباشرت در اجرای آن است، با توجه به طبیعت حد رجم که برای اجرای آن ناگزیر از حضور و مشارکت مردم می‌باشد، بر حضور مردم نه به عنوان نظاره‌گر بلکه به عنوان مجری حکم الهی تأکید گردیده است.

واژگان کلیدی: مجازات، جامعه‌شناسی، علنی، برجسب زنی.

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

\*\* عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

maareftaecher@yahoo.com

\*\*\*استاد دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران.

## مقدمه

در سال‌های اخیر بحث اجرای علنی مجازات‌ها، با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. در طول این مدت، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی با انگیزه‌ها و اهداف متفاوتی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. مسأله اساسی در این است که نفس مجازات که باید اثر عبرت‌آموزی و اصلاح داشته باشد، آیا باید در ملأعام صورت گیرد تا باعث ارعاب شود. البته باید توجه داشت که اگر چه شاید تأثیرات موقتی را که اجرای علنی مجازات‌ها دارد نتوان انکار کرد، اما باید تأثیرات مخرب اجتماعی ناشی از مشاهده مجازات توجه کرد. در این پژوهش تلاش می‌شود که این تأثیرات مخرب در اجتماع و همچنین هدف از اجرای علنی مجازات‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد. اجرای علنی مجازات‌ها بدون در نظر گرفتن عواطف، احساسات و شخصیت مجرم و شرایط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و سایر عوامل تأثیرگذار در پیدایش جرم، علاوه بر اینکه مجرم را به سوی جرائمی بیشتر سوق می‌دهد، بیشترین ضرر و خطر را متوجه جامعه می‌سازد. در حال حاضر از یک سو، هر حادثه‌ای که در هر نقطه‌ای از جهان رخ می‌دهد در تمامی جهان انعکاس می‌یابد و از سوی دیگر، حساسیت جهانی نسبت به برخی کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به گونه‌ای است که نمودهای ناخوشایند را با جداسازی از سایر عناصر مجموعه آن، به شدت بزرگنمایی کرده و مورد ایراد و انتقاد قرار می‌دهند؛ همین مسأله، ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان ساخته است. متأسفانه به رغم حملات شدیدی که در این مدت به بهانه حمایت از کرامت و شخصیت انسان‌ها متوجه قوانین کیفری کشور و به تبع آن فقه امامیه شده است، از سوی متفکران و حقوقدانان اسلامی اقدام جدی و قابل توجهی در زمینه تبیین و تشریح این مسأله صورت نگرفته است. همچنین طی سال‌های گذشته اجرای علنی مجازات‌ها و گرداندن مجرم در شهرها که همراه با توهین و تحقیر مجرم است، یکی از مباحث بحث برانگیز بوده و واکنش برخی صاحب‌نظران مسائل شرعی، اجتماعی و سیاسی را برانگیخته است. البته، این امر در هر حال، موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را به همراه داشته است. صرف‌نظر از جنبه‌های اجتماعی مجازات‌ها که امروزه در نظامات کیفری به عنوان یک ضرورت حیات جمعی و به منظور تحقق بخشیدن به اهداف خاصی نهادینه شده و به مرحله اجراء در می‌آید، این نکته را نباید از نظر دور داشت که اعمال برخی از مجازات‌ها به خصوص اجرای علنی آن‌ها با آثار منفی در جامعه همراه می‌باشد. کسی

که به اتهام ارتکاب جرم خطرناک و مهمی به مجازات سختی که جنبه تردیلی دارد و اعمال آن به هدف بازدارندگی و ارعاب همگانی صورت می‌گیرد در عمل موجب هتک حرمت و حیثیت اجتماعی محکوم علیه و خانواده‌ی او، نزد اشخاص و جامعه خواهد شد. یکی از کارکردهای اجتماعی منفی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی این است که بعضی از مجازات‌ها مانند اعدام و قطع عضو و شلاق‌زنی در ملأعام که توأم با خشونت و آزار می‌باشد شیوه اعمال خشونت و درشت خوئی را به جامعه انتقال می‌دهد و تأثیر منفی بجای خواهد گذاشت. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که فرد بزهکار موجودی غیراجتماعی و سربار جامعه و غیرقابل اصلاح نمی‌باشد که لزوماً بایستی به علت ارتکاب جرم، جامعه او را طرد نماید بلکه فرد جامعه ستیز انسانی است با ویژگی شخصیتی خاص و می‌تواند مانند سایر افراد ناکرده بزه مظهر انسانیت باشد، پس با وجود این نباید فراموش کنیم که اکثر بزهکاران قابل اصلاح هستند و با فردی کردن مجازات‌ها به تناسب شخصیت بزهکار برای بازسازی اجتماعی مجدد او تا آنچنان که باید شناخته شود و جامعه از علت انحراف و جرم ارتكابی او بخوبی وقوف حاصل نماید و از سوی دیگر، مراجع و نهادهای عدالت کیفری یا عوامل کنترل رسمی جرم در رسیدگی‌های قضائی و نحوه برخورد خود در خصوص جرایم مهم و خطرناک نسبت به شناسایی شخصیت واقعی بزهکار دقیقاً اقدام نمایند و چنانچه بزهکار را قابل اصلاح تشخیص دادند زمینه بازگرداندن او به دامن اجتماع را با صدور حکم مقتضی فراهم نمایند.

این پژوهش در پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد که:

اولاً- اساسی‌ترین چالش فراروی نظام عدالت کیفری ایران در خصوص اجرای علنی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی چیست؟  
ثانیاً - اجرای علنی مجازات‌ها با کدام یک از اصول بنیادین حاکم بر اجرای مجازات‌ها تقابل دارد؟

در پاسخ به دو سوال فوق فرضیه‌های در نظر گرفته برای پاسخ به سوالات فوق به این ترتیب می‌باشد:

اولاً - به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین چالش در خصوص اجرای علنی مجازات‌ها عدم انطباق آن با نظریه‌های بنیادین جرم‌شناسی جامعه‌شناختی است.  
ثانیاً - به نظر می‌رسد که اجرای علنی مجازات‌ها با اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیشترین تقابل را دارد.

مبانی نظری اجرای علنی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی (بررسی نظریه جرم‌شناسی جامعه‌شناختی برچسب زنی)  
۱. مفاهیم اساسی نظریه برچسب زنی

به طور کلی نظریه برچسب زنی با این فرض که جرم و رفتار مجرمانه یک روند اجتماعی می‌باشد آغاز شد. تأکید اصلی در مورد طبیعت و ماهیت رفتار متقابل یا کنش و واکنش بین «بزه‌کار» و «بزه‌دیده» و نیز «مقامات» سیستم قضایی می‌باشد. هر آنچه که به عنوان «جرم» به حساب می‌آید، در واقعیت امر، بوسیله عملکرد و فعالیت‌های نظام عدالت کیفری و مامورین آن تصمیم‌گیری می‌شود. این بدان معنی است که تعریف نوع خاصی از رفتار به عنوان رفتار مجرمانه یا فرد خاص به عنوان مجرم بستگی به این دارد که عمل برچسب زنی توسط چه کسی صورت گرفته است بنابراین مشخص کردن اینکه چه چیزی «جرم» می‌باشد توسط مامورین رسمی و افرادی که دارای قدرت برچسب زنی می‌باشند صورت می‌گیرد.

موضوع اساسی در نظریه برچسب زنی تحت عنوان مفهوم انحراف ثانویه<sup>۱</sup> (یا حرفه‌ای) عنوان می‌شود. این عمل هنگامی صورت می‌گیرد که یک فرد در برخی رفتارهای انحراف‌آمیز اولیه درگیر می‌شود (برای نمونه سرقت از مغازه) و واکنش رسمی در مقابل این عمل وجود دارد (از پلیس می‌خواهند که مداخله بکنند). اگر فردی توسط پلیس دستگیر شود، ممکن است رسماً تحت عنوان «فرد منحرف» نامیده شود (برای نمونه «خلافکاران جوان»). این امکان وجود دارد که شخص به انجام عمل منحرفانه دست بزند یا نقش منحرفانه‌ای را ایفا بکند که بر مبنای وضعیت جدید وی شکل گرفته است، وضعیتی که توسط مامورین رسمی کشور به عنوان ابزاری برای دفاع، اصلاح و جرح و تعدیل مسایل در قالب واکنش‌های جامعه به رفتار اولیه ایشان شکل گرفته است. برای نمونه ممکن است به منظور مقابله با استهزاهایی که توسط همسالان فرد صورت می‌گیرد، طعنه‌هایی که از جانب همسایه‌هایش صورت می‌گیرد و مراقبت‌های شدید و دایمی به وسیله نیروی پلیس مخصوصاً هنگامی که آن افراد بیرون می‌روند، مقابله بکند دست به «رفتارهای خشن» بزند. اینگونه گفته شده است که انحراف ثانویه به خاطر واکنش‌های اجتماعی که در برابر انحراف اولیه، وجود داشته است اتفاق می‌افتد، و شخص تغییر و دگرگونی اساسی در مورد برداشتی که از مفهوم

---

۱. Secondary deviation

«خود» داشته، و نیز رفتارهایش احساس می‌کند. (سوتیل، ۱۳۸۳: ۱۲۳-۱۳۳-۱۳۴). نظریه برچسب<sup>۱</sup>، انحراف را به عنوان فرآیندی تبیین می‌کند که توسط آن برخی مردم موفق می‌شوند برخی دیگر را منحرف تعریف کنند. این نظریه بر نسبی بودن انحراف تأکید دارد و ادعا می‌کند که یک شخص یا یک عمل تنها زمانی "انحراف" تلقی می‌شود که "برچسب" انحراف توسط دیگران به آن زده شود.

«هاوارد بکر»<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) می‌گوید: "مجرم کسی است که برچسب خورده و جرم رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده‌اند (Hagan, ۱۹۸۸: ۴۳). این رویکرد معتقد است که رفتار به خودی خود به عنوان کثرفتاری یا جرم محسوب نمی‌شود؛ بلکه این افراد و گروه‌های فرهنگی هستند که به این رفتارها عنوان جرم "برچسب" می‌زنند.

بسیاری از جامعه‌شناسانی که در نظریه برچسب کار کرده‌اند بخصوص **هاوارد بکر** معتقدند که گروه‌های اجتماعی قانون را به وجود می‌آورند و این گروه‌ها هستند که مشخص می‌کنند که چه رفتاری و تحت چه شرایطی باید انجام شود. وقتی قانونی وضع گردد. فردی که آن را زیر پا گذارد به عنوان فردی که نمی‌تواند خود را با قوانین گروه سازگار گرداند، در نظر گرفته شده و "بیگانه یا اجنبی" خوانده می‌شود. این نظریه با توجه به این واقعیت که کجروی‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به گونه مختلفی تعریف می‌شوند، تایید می‌گردد. همچنین این واقعیت وجود دارد که برخی از مردم قوانین را زیر پا می‌گذارند و از مقررات سرپیچی می‌کنند. اما "کجرو" خوانده نمی‌شوند؛ ولی بعضی دیگر به عنوان "کجرو" نامیده می‌شوند؛ در حالی که هیچ قانونی را زیر پا نگذاشته‌اند.

نظریه برچسب می‌گوید که رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن رفتار (نقش قانون) بستگی دارد. اگر به رفتاری یا نقشی احترام زیاد گذارده می‌شود. خلاف آن "کجروی" خوانده می‌شود و فرد خاطی جریمه یا مجازات می‌گردد.

از دیدگاه جامعه‌شناسان نیز قانون شکنی "کجروی" خوانده نمی‌شود، مگر اینکه افراد به آن قانون احترام گذاشته و به آن توجه نمایند و تخلف از آن مجازات و اصلاح رفتار را در پی داشته باشد. (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۰)

---

۱. Labeling  
۲. H. Becker

### برچسب زنی به عنوان نتیجه واکنش اجتماعی

رهیافت برچسب زنی در مورد کج رفتاری را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: مسأله تشریح چگونگی و چرایی برچسب خوردن برخی افراد و تأثیر برچسب بر رفتارهای انحرافی آتی. نخستین دیدگاه از برچسب زنی در واقع پرسش از دلایل برچسب زنی است لذا برچسب، متغیری مستقل است که وجودش باید تشریح شود. بیان کلاسیک این نقطه از زبان بیکر چنین است:

گروه‌های اجتماعی با ساخت قواعدی که نقض آن‌ها، انحراف محسوب می‌شود، به کارگیری این قواعد در مورد افرادی خاص و برچسب زدن به آن‌ها به عنوان افرادی بیگانه، انحراف را می‌آفرینند. از این منظر، انحراف کیفیت عملی که فرد مرتکب آن می‌شود نیست بلکه پیامد به کارگیری قواعد و مجازات‌ها علیه «مجرم» از سوی دیگران است. منحرف کسی است برچسب با موفقیت به او زده شده و رفتار انحرافی رفتاری است که مردم بر آن برچسب انحرافی می‌زنند.

بیکر از اصطلاح «آفرینش» انحراف، قواعد، شرایط و ویژگی‌های یک فرد و واکنش دیگران از میان مخاطبان را در نظر دارد که آن اعمال را که «انحرافی هستند» از دیگر اعمالی که انحرافی نیستند یا حتی رفتارهایی مشابه باشند، جدا می‌کنند. در این حال، حتی لازم نیست که رفتاری وجود داشته باشد؛ آنچه مهم است اینکه واکنش کننده، به «وجود» آن اعتقاد داشته باشد. بنابراین واکنش نسبت به یک رفتار است که انحراف را می‌آفریند. مسأله‌ای که باید تشریح شود آن است که به گفته بیکر، چگونه افراد بیگانه (غیر خودی‌ها) انتخاب شده و بر آن‌ها برچسب زده می‌شود.

ماجرای رادنی کینگ نیز تصویری عالی از این نقطه است که اگر یک عمل انحرافی تحقق یافته باشد، دیگر عملی از سوی مخاطب به عنوان واکنش مورد نیاز نیست. برای مأموران پلیس، حتی اگر کینگ برای برخاستن و ترسانیدن آن‌ها حرکتی هم نکرده بود، افراد پلیس «فکر می‌کردند» که او اینکار را کرده بود. لذا آن‌ها به گونه‌ای عمل کردند که گویی از کینگ حرکتی سرزده بود. آنانی که نوار ویدویی این ماجرا را دیدند، احتمالاً حرکتی از سوی کینگ را مشاهده نکردند و از نظر آن‌ها، این، عمل مأموران که به عنوان عملی انحرافی تلقی می‌شد نه عمل کینگ. افزون آنکه به دلیل اعتقاد مأموران پلیس به اینکه کینگ در حالت مصرف مواد مخدر بود و لذا آن‌ها در مقابل او چنین عملی را انجام دادند (بعدها آزمایش مواد مخدر نشان داد که هیچ نشانه‌ای برای تأیید این عقیده وجود نداشت). سوالی که باید پرسیده شود این است که چرا مأموران پلیس، استفاده از

مواد مخدر را به کینگ نسبت داده بودند. پاسخ این سوال براساس نظریه برچسب زنی این است که کینگ نمونه‌ای کلیشه‌ای از افرادی است که پلیس عقیده دارد مصرف‌کننده مواد مخدر هستند.

به عنوان مثالی دیگر از این پدیده، فرض کنید که شما یکبار برای کار که انجام نداده‌اید متهم شوید. اینکه شما کاری نکرده‌اید، ابدأ مهم نیست؛ آنچه مهم است اینکه، واکنشی که در مقابل شما نشان داده می‌شود به گونه‌ای است که گویی شما این کار را انجام داده‌اید. بعد از این، به روشنی پدیده انحراف از «نگاه مشاهده‌گر» وجود دارد. بیکر برای کشف این مسأله، نوعی گونه‌شناسی انواع رفتار انحرافی را به بحث خود می‌افزاید. او ملاحظه نمود که آیا یک رفتار خاص، رفتاری منطبق یا انحرافی تصور می‌کرد یا خیر. نتیجه حاصله چهار نوع رفتار انحرافی شامل اتهام اشتباه، انحراف کامل، انطباق و انحراف پنهان می‌شد. اعمال مربوط به «اتهام اشتباه» اعمالی هستند که یا اصلاً وجود ندارند یا در حال حاضر حالتی انطباقی را دارا هستند اما مخاطب چنان واکنشی نشان می‌دهد که گویی، این اعمال، اعمالی انحرافی بوده‌اند. اعمال انحراف کامل و انطباقی، هر دو اعمالی هستند که در واقعی بودن عمل، تصور با واقعیت، درهم آمیخته و منطبق شده است. سرانجام اعمال انحراف پنهان، اعمالی است که در آن، انحراف قطعاً صورت پذیرفته اما مخاطب، یا آن اعمال را فراموش کرده یا در مقابل آن‌ها واکنشی نشان نداده است. بیکر بر این باور بود که اعمال انحراف پنهان، کاملاً رایج و عادی هستند. در این حال موردی که به اهمیت این چهارگونه انواع انحراف یا حتی مهمتر از آن‌هاست، ویژگی‌های اجتماعی مردمی است که باید در مقابل یکی از انواع این چهارگونه عملی را به انجام رسانند. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۱۵۴-۱۵۳).

#### برچسب زنی به عنوان سبب انحراف

طرفداران برچسب زنی به ملاحظه تأثیر برچسب‌ها بر روی فردی که برچسب خورده نیز پرداختند. این جنبه از برچسب زنی، برچسب را به عنوان یک متغیر مستقل و یک عامل سببی نگاه می‌کند که رفتار انحرافی را به وجود می‌آورد. این مسأله ممکن است از دو راه به وجود آید: ۱) برچسب ممکن است توجه مخاطبان برچسب زن را جلب کرده و موجب شود تا آنان برچسب زدن فرد را نگاه کرده و دنبال کنند. ۲) برچسب ممکن است از سوی فرد درونی شود و به قبول نوعی مفهوم خودی از

۲۶۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

انحراف بیانجامد. هر کدام از این دو فرآیند ممکن است به تقویت کج رفتاری و آفرینش یک «منحرف حرفه‌ای» بیانجامد.

در میان مسائلی که برچسب به وجود می‌آورد، به واکنش بعدی نیز می‌توان اشاره کرد. افرادی که برچسب خورده‌اند، از این نظر که مردم نسبت به آن‌ها توجه بیشتری دارند، بیشتر در چشم می‌آیند. این بیشتر در چشم آمدن، اغلب موجب می‌شود که کارهای آنان از نزدیکتر و دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرد و لذا کشف دومین و سومین موارد رفتار انحرافی احتمالاً بیشتر از مورد اول امکانپذیر است. مسأله مهمتر آنکه افرادی که در مشاغل مرتبط با فرآیندهای انحرافی قرار دارند (عوامل مربوط به عدالت کیفری)، زمانی که یک فرد مورد توجه دستگاه آنان قرار گرفت، افراد را با دقت بیشتر و از نزدیکتر مورد توجه قرار می‌دهند. به بیانی دیگر، افراد برچسب خورده، به مشتریان نظام عدالت کیفری تبدیل می‌شوند و مانند دیگر مشاغل خوب تجاری، این نظام، حساب مشتریان خود را به خوبی داراست. آنانی که یکبار برچسب خورده‌اند، مثلاً کسانی که به طور مشروط آزادند یا مجرمان سابق، مشکل می‌توانند از این مورد توجه مخاطبان قرار گرفتن بگریزند و لذا رفتار بعدی آنان، احتمالاً مورد شناسایی و برچسب خوردن دوباره قرار خواهد گرفت. (ولد، ۱۳۸۰: ۳۰۳).

زمانی که یک برچسب اصلی قرار است احتمالاً در میان افراد دارای ویژگی‌های طبقه پایین توزیع شود، این توجه، به تقویت تصویر آن افراد به عنوان منحرف می‌انجامد. افرادی که به عنوان «کج رفتار» شناسایی شده‌اند، دارای شانس کمتری برای درستکاری در دنیای عادی خود هستند. این مسأله بدان معناست که راه‌های رایج به سوی موفقیت اغلب قطع شده و راه‌های غیرقانونی به عنوان تنها راه باقی مانده، نمایان می‌شوند. لذا برچسب زنی بر این استدلال است که طبقه پایین از فرآیند برچسب زنی، لطمه خورده است و دارای عنوان منحرف می‌باشد که از خلال جریان برچسب زنی باقی مانده است.

به عنوان یک مثال، دلیلی اینکه برخی افراد مرتکب جرم می‌شوند آن است که دارای فرصت‌های قانونی بسیار کمی برای دستیابی به یک شغل، پول در آوردن و خرید آن چیزهایی که در تلویزیون تبلیغ می‌شود، هستند. مردان جوان آمریکایی آفریقایی تبار، در بسیاری از شهرهای مرکزی ایالات متحده، از نرخ بیکاری ۴۰ تا ۵۰ درصد برخوردار دارند. تقریباً شغلی وجود ندارد و هیچکس آن‌ها را استخدام نمی‌کند. لذا فردی، که پیشتر به دلیل ارتکاب سرقت‌هایی دستگیر شده بود، دوباره دستگیر می‌شود و حکم



زندانی برایش صادر می‌گردد. در زندان‌هایی آکنده از زندانی، حرفه‌ای جز کارکردن در کارخانه ساخت پلاک اتومبیل وجود ندارد. پس از آزادی، فرصت‌های فرد برای دستیابی به یک شغل قانونی، نه تنها اضافه نشده بلکه احتمالاً کمتر نیز شده است. صاحبان کار که فرد را قبلاً استخدام نمی‌کردند، احتمالاً اینک رغبت کمتری به استخدام او دارند. خلاصه آنکه، برای فرد، شاید راه دیگری جز بازگشت به جرم وجود نداشته باشد. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۱۵۷-۱۵۵).

### پیامدهای برچسب زنی

نظریه برچسب مانند نظریه تضاد در جستجوی علل انحراف نیست؛ اما پرسش‌هایی از این قبیل را مطرح می‌کند:

۱. چه کسانی برچسب انحراف را به چه کسانی می‌زنند؟  
۲. پیامدهای برچسب زدن برای کسانی که به آن‌ها برچسب زده می‌شود، چیست؟ اگر نظریه برچسب فقط، به اینکه چه کسی برچسب می‌زند، سرو کار داشت. در آن صورت به نظریه تضاد بسیار نزدیک بود؛ اما این نظریه مسأله مهم دیگری را نیز بررسی می‌کند و آن پیامدهای برچسب، بر برچسب خوردگان است.  
فرآیند برچسب زدن را می‌توان به دو مرحله، انحراف اولیه و انحراف ثانویه تقسیم کرد:

۳. در مرحله انحراف اولیه، افراد از هنجارهای اجتماعی سر بر می‌تابند؛ ولی برچسب نمی‌خورند و خود را منحرف نمی‌انگارند. از این گذشته، دیگر افراد جامعه نیز هنوز برای آن‌ها احترام قایلند و آن‌ها را منحرف نمی‌دانند.  
انحراف ثانوی وقتی رخ می‌دهد که رفتار انحرافی توسط افراد مهم دیگر مانند: دوستان، والدین، کارفرمایان، مقامات، پلیس و دادگاه، علنی و آشکار می‌گردد. خطاکار در این مرحله با واقعه طوری روبرو می‌شود که به گفته «هارولد گارفینکل» (۱۹۵۶) "مراسم بی‌آبرویی" نامیده می‌شود. در این "مراسم" شخص محکوم به عمل انحرافی می‌شود، سرزنش و مجازات می‌گردد و مجبور می‌شود که به برتری اخلاقی محکوم‌کنندگان اعتراف نماید. و برچسب ابله، بدکاره، غیرعادی، کلاهبردار، معتاد به مواد مخدر و .... را از دیگران دریافت می‌دارد. در نتیجه، شخص، آگاهانه، یا ناآگاهانه، این برچسب را می‌پذیرد و تصویری جدید از خود می‌سازد و رفتار مناسب با آن را

۲۶۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

شروع می‌کند. اکنون رفتار، شکل انحراف ثانویه پیدا می‌کند؛ یعنی ناهم‌نواپی مداوم توسط کسی که برچسب انحراف را قبول کرده است. (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۱).

مثالی خوب از انحراف ثانویه در مورد خردسالی است که به دلیل مصرف مواد مخدر سبک‌تر غیرقانونی مانند ماری جوانا دستگیر می‌شود. این فرد، برچسب «مصرف‌کننده مواد» را می‌خورد. اگر او یکبار دیگر دستگیر شود، حتی اگر مصرف مواد از سوی او، حالتی تجربه‌ای را داشته باشد، برچسب «مصرف‌کننده مواد»، شروع به چسبیدن به او می‌کند و دیگران او را به عنوان «معتاد» شناسایی می‌نمایند، فرد خردسال وقتی که با واکنش دیگران در مقابل خود روبرو می‌شود، این هویت را می‌پذیرد و به معاشرت با مصرف‌کنندگان مواد مخدر می‌پردازد. در این نقطه، فرد خردسال به یک خرده فرهنگ مواد مخدری می‌پیوندد و هویت خود را به عنوان مصرف‌کننده مواد، می‌پذیرد و بدین ترتیب، انحراف ثانویه وارد میدان می‌شود. تمام رفتارهای انحرافی که احتمال اتفاق افتادن آن‌ها نمی‌رفت، به دلیل حضور برچسب و تمیز مفهوم شخصی، رفتارهایی هستند که نسبت به رفتار اولیه مثلاً مصرف تجربه‌ای مواد مخدر ثانویه تلقی می‌شوند. نظریه پردازان برچسب زنی بر این باورند که اگر، فرآیند برچسب زنی وجود نداشت، این انحراف ثانویه نیز به وجود نمی‌آید. لذا، برخی جرم‌شناسان پیشنهاد کرده‌اند که بهترین رهیافت برای کاهش میزان انحراف خردسالان، در نتیجه کاهش رفتار مجرمانه بعدی، آن است که وقتی اعمال بزهکاری کشف شد، کاری صورت نگیرد. (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

#### مبانی قانونی اجرای علنی مجازات‌ها

#### اجرای علنی مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران

ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی سابق مقرر می‌دارد:

«مناسب است که حاکم شرع، مردم را از زمان اجراء حدّ (زنا) آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند، در حال اجرا حضور یابند».

در ماده ۱۰ آئین‌نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص عضو آمده است:

«اجرای حکم با حضور دادستان، رئیس زندان، رئیس نیروهای انتظامی یا نماینده او و منشی دادگاه و سایر افرادی که حق حضور دارند، در محل مخصوصی در زندان و یا محل دیگری که در حکم معین گردیده، به عمل می‌آید». (جهانگیر، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۱۶)

مبانی نظری اجرای علنی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی.....۲۶۷

طبق بند الف ماده ۵ آئین‌نامه مزبور، هرگاه اجرای حکم، خارج از محوطه زندان باشد، رئیس نیروهای انتظامی محل یا نماینده وی مسئول برقراری و حفظ نظم در محل اجرای حکم می‌باشد.» (جهانگیر، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۱۵)  
ماده ۲۲ آئین‌نامه مزبور تصریح می‌کند:

«در صورتی که بنا به جهاتی، حضور تماشاچی یا طبقات و افراد خاصی در محل اجرای حکم، به مصلحت نباشد، به دستور دادستان، مأمورین انتظامی از ورود آنان به محل جلوگیری می‌نمایند.» (جهانگیر، ج ۱، ۱۳۷۹: ۴۱۷)  
پیش از تصویب این قوانین، رویه به گونه‌ای بود که اجرای مجازات‌ها به سمت غیرعلنی بودن پیش می‌رفت.

در سال ۱۳۶۵ در بخشنامه شورای عالی قضائی آمده است:

«نظر به اینکه اجرای محکومیت‌های جزائی در ملأعام و مجتمع‌های انسانی نظیر مدارس، آثار ناخواسته‌ای ایجاد می‌کند، بنا به تصویب شورای عالی قضائی در جلسه ۱۱۶-۱۳۶۵/۲/۲۷ تذکر داده می‌شود: لازم است کلیه دادگاه‌ها و دادرها توجه اکید نمایند، جز در مواردی که قانوناً ملزم‌اند، از صدور چنین احکامی خودداری ورزند و دادرها نیز در اجرای احکام در ملأعام به اجتماع حداقل افراد در محل دادر یا کلانتری یا زندان و محل‌های نظیر آن استفاده نموده و از اجرای احکام به ابتکار شخصی در صحن یا مقابل دبیرستان‌ها و اماکنی نظیر آن، موکداً خودداری نمایند.»  
اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سؤال اینکه آیا دادگاه می‌تواند حکم به اجراء مجازات شلاق تعزیری در ملأعام بدهد یا خیر؟ نظریه خود را با شماره و تاریخ ۶۲۴۱-۱۳۶۴/۱۱/۱۹ اینگونه بیان می‌دارد:

«در تعزیرات فقط وقتی دادگاه می‌تواند حکم به اجراء شلاق در ملأعام بدهد که قانون چنین اجازه‌ای را صریحاً داده باشد زیرا زدن شلاق یک مجازات است و بودن آن در ملأعام که مستلزم هتک حیثیت مضروب می‌شود مجازاتی دیگر است که بدون وجود قانون جایز نیست.» (شهری، ج ۱، ۱۳۷۳: ۶۲۰)

### اجرای علنی مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام

در کشورهایی که مجازات‌هایی نظیر اعدام و شلاق زنی به موقع اجرا گذاشته می‌شود، انتخاب محل اجرای آن، بسیار دارای اهمیت می‌باشد.

۲۶۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

بسیاری از قوانین کشورها، به لحاظ اینکه اجرای این قبیل مجازات‌ها، آثار منفی فردی و اجتماعی به دنبال دارد، اجرای آن را در محوطه زندان و به دور از انظار عمومی الزامی دانسته است، در حالی که برخی دیگر، با هدف تحقق جنبه ارعابی مجازات، اجرای علنی آن را در مراکز و میادین شهرها و محل‌های عمومی و آمد و شد مردم اجرا می‌کنند.

با بررسی در متون اسلامی بدست می‌آید که دیدگاه اسلام دست کم در برخی از جرایم مربوط به حق الله، قبل از ثبوت قطعی، نسبت به فرد مجرم و گناهکار، دیدگاهی تساهل‌آمیز و همراه با نادیده انگاشتن جرم می‌باشد. (الجبعی العاملی، ج ۲، بی تا: ۴۲۷) در این قسمت شواهد فراوانی وجود دارد که ذکر آن‌ها از حوصله این مقدمه خارج است و تنها به ذکر این مطلب بسنده می‌شود که هدف اسلام از مجازات، تربیت و سازندگی انسان مجرم می‌باشد. به همین جهت راه توبه را برای او باز کرده و آن را موجب سقوط مجازات قرار داده است. (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶ه.ق: ۵۲۸) چنان که در جرم‌های سنگین مانند زنا، لواط و ... محمل‌هایی را برای ثابت نشدن گناه مقرر کرده که موارد آن بر اهل دانش پوشیده نیست، و این همه، برای آن است که انسان مجرم اگر چه مرتکب جنایت شده ولی زمینه تربیت در او از بین نرفته و می‌توان وی را به سرشت اولیه‌اش بازگرداند.

اکنون با توجه به این مقدمه کوتاه برای روشن شدن موضوع که از ظرافت و حساسیت بالایی برخوردار بوده و در منابع فقهی و حقوقی کمتر از آن بحث شده، مباحث زیر را پیگیری می‌کنیم:

۱- مشروعیت اجرای علنی مجازات

۲- اصل و قاعده اولی در کیفیت اجرای مجازات

۱- مشروعیت اجرای علنی مجازات:

سؤال این است که اجرای علنی مجازات، «مشروعیت» دارد، یا این که «تشریح» و بدعت در دین به حساب می‌آید؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که در اصل مشروعیت اجرای آشکار حدود، هیچگونه تردیدی نیست و در میان فقها نیز نسبت به مشروعیت این مسأله هیچگونه اختلاف نظری وجود ندارد؛ زیرا هم نص صریح قرآن در این رابطه وجود دارد و هم در سیره معصومین علیهم السلام این عمل تحقق یافته است.

در قرآن نسبت به مجازات فرد زناکار آمده است: «وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين» یعنی: باید طایفه‌ای از مؤمنین در مجازات فرد زانی و زانیه، حاضر و ناظر باشند و این حضور چیزی جز علنی بودن مجازات نیست. حتی برخی از فقها به دلالت جمله «وليشهد» که صیغه امر و دستور است، حضور طایفه‌ای از مؤمنین را واجب می‌دانند. (الجبعی العاملی، ج ۲، بی تا: ۴۳۰)؛ زیرا صیغه امر، طبق قاعده در وجوب ظهور دارد و اصل در آن، وجوب است.

اما در سیره معصومین علیهم السلام نیز در روایتی آمده است که علی علیه السلام نه تنها مردم را از اجرای حد آگاه می‌ساخت، بلکه به آن‌ها دستور می‌داد تا در مراسم اجرای حد شرکت نمایند. طبق برخی از روایات، وقتی آن حضرت تصمیم گرفت حد را بر مردی که به زنا اقرار کرده بود، اجرا کند، با فریاد بلند اعلام فرمود: «یا معشر المسلمین اخرجوا ليقام علی هذا، الحد و لا يعرفن احدکم صاحبه فاخرجه الی الجبان...»

یعنی: ای جمعیت مسلمین، بیرون بیایید تا بر این مرد زنا کار، حد جاری شود و به گونه‌ای بیرون بیایید که کسی شما را نشناسد (تا اگر حد مشابهی بر گردن شما بود و به خاطر آن از شرکت در اجرای حد ممنوع بودید، نزد دیگران ابروی شما محفوظ بماند) سپس علی علیه السلام آن مرد را به سوی میدان وسیعی کشاند تا حد را در ملأعام اجرا نماید. (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶ه.ق: ۳۴۲)

و همچنین وقتی تصمیم داشت بر زنی که به گناه اقرار کرده بود، حد اجرا کند، غلام خود قنبر را امر کرد تا مردم را برای نماز جماعت گرد هم آورد و سپس خود آن حضرت بالای منبر رفت و فرمود: «ای مردم، همانا امام شما این زن را در این وقت ظهر، به این جا آورد تا به خاطر خدا (و برای تربیت مجرم) بر او حد جاری نماید و...». (نجفی، ج ۴۱، ۱۳۶۳: ۳۵۳) علاوه بر این اگر اجرای حدود در ملأعام، باعث عبرت و پند بینندگان شود، این کار به مصلحت نزدیکتر و سزاوارتر خواهد بود و شاید به همین دلیل، گاه علی علیه السلام اجرای حد اجرا می‌کرد تا به روز جمعه تأخیر می‌انداخت، تا حکم الهی در میان اجتماع انبوه مردم به اجرا گذاشته شود. (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶ه.ق: ۵۱۴)

نتیجه این که اجرای آشکار مجازات را نمی‌توان کاری غیرمشروع و بدعت در دین دانست، بلکه این عمل، مورد تصریح قرآن بوده و در سیره معصومین علیهم السلام نیز وجود داشته است.

## ۲- اصل و قاعده اولی در اجرای مجازات آشکار:

یکی از بحث‌های کارساز و راهگشا پیرامون مجازات آشکار، روشن شدن قاعده اولیه در اجرای مجازات می‌باشد، سؤال این است که آیا اصل اولی در اجرای حکم، علنی بودن است یا باید مجازات را به صورت مخفیانه و پنهانی اجرا کرد؟ و به عبارت دیگر آیا ظهور اولیه در اجرای احکام، به علنی بودن آن انصراف دارد یا به پنهانی بودن آن؟

هرگاه بتوانیم ظهور و انصراف اولیه را در مسأله‌ای تعیین نماییم در واقع اصل اولی را در آن مسأله ثابت نموده‌ایم؛ مثلاً اگر در صیغه امر ثابت کنیم که ظهور ابتدایی این صیغه در وجوب است، در آن صورت قاعده اولی در این صیغه، وجوب خواهد بود مگر این که قرینه‌ای بر استحباب داشته باشیم. بنابراین، ماهیت بحث ما در اینجا به کیفیت ظهور ابتدایی مجازات برگشت می‌کند؛ یعنی صرف‌نظر از هرگونه شواهد و قرائن، اجرای حکم به حالت آشکار انصراف دارد یا به حالت پنهان؟

ممکن است برخی به این صورت عقیده خود را ابراز کنند که ظهور اولیه در حکم، اجرای پنهانی می‌باشد؛ زیرا اجرای علنی مجازات، مؤونه زائدی را به دنبال داشته و به اثبات نیاز دارد به ویژه در حدود که در این دسته از جرایم همانگونه که از نظر «کمی» نمی‌توان از حد مقرر و معین شده عدول نمود، همچنین از نظر «کیفی» نمی‌توان بدون تصریح شارع، عدول کرد. و از آنجا که دلیل خاصی مبنی بر علنی بودن مجازات نداریم، از این رو چنین به نظر می‌رسد که قاعده اولی در آن، اجرای مخفیانه باشد، هر چند در شرع مقدس اسلام مواردی وجود دارد که مجازات مجرم به صورت آشکار و در ملأعام اجرا می‌شده است، چنان که در بحث سابق به موارد آن اشاره شده است، اما موارد یاد شده نمی‌تواند حاکی از تأسیس اصل و قاعده در مسأله باشد و حتی در مورد جرم زنا که آیه شریفه «ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین»<sup>۱</sup> به طور خاص بر اجرای آشکار آن دلالت دارد، باز هم نمی‌تواند قاعده اولیه را به اجرای آشکار حد زنا انصراف دهد، بلکه آیه مذکور می‌تواند بر اصالت پنهانی بودن مجازات، شاهد باشد؛ زیرا اگر مجازات آشکار، بر طبق قاعده و اصل اولی می‌بود لزومی نداشت که دستور آن در این آیه داده شود. چون احکامی که بر طبق قاعده هستند به بیان احتیاجی ندارند از این رو بیان آن در این آیه چنین می‌نمایاند که اجرای آشکار حدود در ابتدا

۱. سوره نور، آیه ۲.

مورد فهم مخاطبین نمی‌باشد از این جهت چنین مقرر شده است که در اجرای حد زنا، باید طایفه‌ای از مؤمنین حاضر و ناظر باشند.

اما ممکن است اصل مزبور چنین مورد مناقشه قرار گیرد که در بیان مذکور، فرقی بین حقوق الله و حقوق الناس داده نشده و به موازات آن تفکیکی بین انواع مجازات‌ها (حدود، قصاص و تعزیر) به عمل نیامده است، در حالی که روشن شدن تفاوت حق الله و حق الناس می‌تواند ما را در تأسیس اصل یاری کند. در یک بیان کوتاه می‌توان گفت: حقوق الله با جرائمی ارتباط دارد که صاحب حق، خداوند و در بیشتر موارد، جامعه است؛ مانند ارتداد، زنا و شراب خواری، ولی حقوق الناس به جرائمی مربوط است که طالب آن شخص خاصی می‌باشد؛ مانند قتل، جرح و غیره. از نظر قضایی در حقوق الناس پس از ثبوت جرم، قاضی بدون اجازه صاحب حق نمی‌تواند حکم مذکور را به اجرا درآورد، اما در حقوق الله پس از اینکه جرم گناهکار ثابت شد، قاضی موظف به اجرای آن خواهد بود. و آنچه در حقوق الناس با اهمیت است جلب نظر صاحب حق می‌باشد. از این رو مثلاً در حق قصاص، ولی دم مخیر است بین این که مجرم را قصاص نماید و یا از او دیه بگیرد و یا این که او را عفو نماید، ولی در حق الله کسی جز حاکم اسلامی آن هم در شرایط خاص دارای اختیاراتی نیست و حکم الهی حتماً باید اجرا شود. با این توضیح، می‌توان چنین اظهار نمود که در حقوق الناس به همین دلیل که همیشه رضایت مدعی و اجازه او در اجرای حکم شرط است ضرورتی ندارد مجازات مجرم حتماً در ملأعام انجام شود، هر چند در این خصوص نیز مجازات علنی می‌تواند فوایدی را به همراه داشته باشد، اما در حقوق الله از آن جا که مدعی، فرد خاصی نیست، و غالباً این جامعه است که از این قبیل جرائم زیان می‌بیند، جرم مذکور حقی است که برای خدا ایجاد شده و همه مردم در آن، مدعی‌العموم محسوب می‌شوند. پس این اصل، چنین دلالت دارد که حکم مذکور باید به صورت آشکار به اجرا گذاشته شود.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که قاعده اولی در حقوق الله اجرای علنی است و در این راستا روایات فراوانی وجود دارد که پیش از این، به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده‌ایم، اما صرفنظر از روایات گذشته، احادیث دیگری وجود دارد که کاشف از سیره امامان معصوم علیهم السلام در مورد اجرای علنی مجازات در بخش حقوق الله هستند و گویا مجازات علنی در این بخش، یک امر مسلم و مفروغ عنه بوده است. این دسته از روایات اگر چه مانند نمونه‌های سابق، در مجازات علنی صراحت ندارند، اما سیاق آن‌ها

۲۷۲. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

بیانگر عادی بودن مجازات علنی است، مانند روایاتی که بر مرور امیرالمؤمنین (ع) و یا امام صادق (ع) از محل اجرای حکم دلالت دارند؛ (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶.ه.ق: ۳۱۵۲) زیرا مرور و عبور از محل واقعه، نشان‌دهنده این است که حکم مذکور در فضایی آزاد مانند خیابان به اجرا گذاشته می‌شد و یا مانند روایت هشام از امام کاظم (ع) که می‌گوید: من به همراه امام برای نماز صبح در مسجد نشسته بودم که ناگهان صدای مردی در آن صبح خیلی سرد، به گوش امام رسید و امام فرمود: صدای چیست؟ گفتند: صدای مردی است که مجازات می‌شود! امام با تعجب پرسید: در این صبح سرد؟ گفتند آری ...

آن بزرگواران وقتی با این صحنه مواجه می‌گردیدند متذکر هرگونه اشتباه می‌شدند ولی هیچگاه از علنی بودن مجازات، انتقاد و اشکالی به عمل نمی‌آوردند.

با بررسی فوق، می‌توانیم در سه مورد حدود، قصاص و تعزیرات، چنین گفت: از آنجا که حدود (مانند حد زنا، حد شرب خمر، حد ارتداد و غیره) بیشتر در موارد حق الله مصداق دارد، قاعده این است که مجازات باید در ملأعام به اجرا گذاشته شود. (البته در آن دسته از حدود مانند قذف که به حق الناس مربوط است این اصل جاری نیست). در قصاص نیز از آن جا که موارد آن در حق الناس مصداق دارد، اصل اولی آن است که حکم آن باید به صورت غیرعلنی به اجرا گذاشته شود مگر اینکه مصلحت مسلمین، علنی بودن آن را اقتضا داشته باشد.

و اما در تعزیرات چون به جرائم کوچک و سبک مربوط می‌باشد و موارد آن هم در هر یک از حقوق الله و حقوق الناس می‌تواند مصداق داشته باشد و از طرفی کیفیت اجرای آن نیز مانند کمیت آن به نظر قاضی بستگی دارد، از این رو نمی‌توان اصلی مبنی بر علنی یا غیرعلنی بودن در آن تأسیس نمود، بلکه آنچه را که حاکم اسلامی صلاح بدانند می‌تواند به مقدار گناهی که مجرم مرتکب شده و با توجه به شرایط جسمی و روحی او، وی را مجازات نماید، چنان که در پاره ای از روایات به این مطلب اشاره شده است. (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶.ه.ق: ۵۸۴)



## ضرورت اجرای علنی مجازات در موارد خاص و ارائه راهکار مناسب جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و آثار منفی آن

### ضرورت اجرای علنی مجازات در موارد خاص

علیرغم اینکه اجرای علنی مجازات در بسیاری موارد آثار و پیامدهای منفی فردی و اجتماعی بدنال دارد، لکن در مواردی خاص و استثنائی، می‌تواند آثاری مثبت بدنال داشته و آثار منفی احتمالی را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد.

هرگاه مجرمی با ارتکاب جرمی شنیع، وجدان عمومی را به شدت جریحه‌دار نموده و به امنیت و آسایش عمومی لطمه جدی وارد ساخته و افکار عمومی را به نحو وسیع و گسترده مشنج سازد، اجرای علنی مجازات آن مفید بوده و می‌تواند به ترمیم احساسات جریحه‌دار شده قربانیان جرم و عموم مردم کمک نماید.

طبق قوانین کیفری اسلام، یکی از مجازات‌هایی که قاضی می‌تواند در مورد فرد محارب اختیار نماید، به صلیب کشیدن وی به مدت سه روز می‌باشد.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که فلسفه این حکم، علاوه بر پیشگیری عام، ترمیم احساسات و عواطفی است که تحت تأثیر ارتکاب جرم محاربه لطمه جدی دیده است.

امنیت و آسایش عمومی، یکی از ضروریات یک جامعه سالم می‌باشد و بایستی با هر عاملی که آن را تهدید می‌نماید، مبارزه شود و هرگاه تحت تأثیر ارتکاب جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، امنیت عمومی خدشه دار گردد، بایستی جهت ترمیم آن و اعاده نظم و امنیت عمومی، اقدام نمود.

اجرای علنی مجازات در این موارد خاص و نادر، بسیاری از آثار و پیامدهای منفی را که سابقاً بدان اشاره شد، بدنال ندارد.

---

۱. در خصوص مجازات فرد محارب، فقهاء اختلاف نظر دارند. برخی همچون شیخ طوسی قائلند که: اگر محارب تنها جراحی بر مجنی علیه وارد نموده و مرتکب قتل و سرقت نشده باشد، بایستی به قصاص جراحی محکوم گردد و اگر مرتکب قتل شده و سرقت نکرده باشد، به اعدام محکوم می‌گردد و اگر مرتکب قتل و سرقت شده باشد علاوه بر رد مال ماخوذ، به قطع دست و اعدام و سپس به صلیب کشیدن محکوم می‌گردد. محمدبن الحسن الطوسی، النهایه، پیشین، ص ۷۲۰؛ برخی دیگر از فقهاء قائلند که در تمام صور فوق، حاکم شرع اختیار دارد تا هر یک از مجازات‌های اعدام، به صلیب کشیدن، قطع دست راست و پای چپ را یا تبعید را اعمال نماید، جعفر بن الحسن الحلّی (محقق)، شرائع الاسلام، پیشین، ص ۱۸۱؛ محمدبن محمدبن نعمان (شیخ مفید)، المقنع، پیشین، ص ۸۰۴-۸۰۳ - لکن جملگی فقهاء اتفاق نظر دارند که بایستی فرد محاربه که به صلیب کشیده شده است، تا سه روز بر صلیب باقی بماند، محمدبن الحسن الحر العاملی، پیشین، ص ۳۱۹، محمدبن الحسن الطوسی، الخلاف، پیشین، ص ۴۶۲.

۲۷۴. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

در این قبیل جرائم، چون غالباً مجازات اعمالی، اعدام می‌باشد، اساساً سخن از دشوار شدن اصلاح مجرم و یا آمادگی او برای ارتکاب جرائم بیشتر، موضوعاً منتفی است.

با توجه به صدمه‌ای که جرائم علیه امنیت عمومی به احساس امنیت و آسایش عمومی وارد می‌سازد و عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، عموم مردم بی‌صبرانه در انتظار مشاهده گرفتار آمدن سریع مجرم و اجرای مجازات وی می‌باشند. بنابراین احتمال همدردی با مجرم وجود ندارد.

اجرای علنی مجازات در این قبیل موارد، مورد پذیرش افکار عمومی مردم بوده و حتی غیر مسلمانان در داخل و خارج کشور به آن ایراد نگرفته و عکس‌العمل نشان نخواهند داد.

البته لازم به ذکر است که اجرای علنی اینگونه مجازات‌ها بایستی در صورتی اجرا گردد که مصلحت آن را اقتضا نماید. در غیر این صورت هرگاه اجرای آن به مفسده‌ای همچون وهن به اسلام را بدنبال داشته باشد، اجرای آن توجیهی ندارد. اجرای علنی مجازات در این موارد خاص، بایستی ضوابطی اعمال گردد تا آثار منفی آن را تا حد ممکن کاهش دهد.

همچنین رئیس قوه قضائیه چندی پیش با صدور سه بخشنامه طی ده روز دستگاه تحت ریاست خود را به حرکت در راستای توسعه قضایی و پیشبرد مبانی مربوط به حفظ حقوق شهروندی فرا خواند اولین بخشنامه صادره مربوط به توقف اجرای حکم اعدام در ملاءعام بود که دکتر علیرضا جمشیدی سخنگو و معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه روز چهارشنبه دهم بهمن ماه سال ۱۳۸۶ از صدور آن توسط آیت الله شاهرودی خبر داد و این موضوع را در صدر اخبار بسیاری از رسانه‌های داخلی و خارجی قرار داد. براساس بخشنامه ۹ بهمن ماه ریاست قوه قضائیه اجرای احکام اعدام به صورت علنی تنها با موافقت رئیس قوه قضائیه و بنابر ضرورت‌های اجتماعی امکانپذیر خواهد بود. سخنگوی قوه قضائیه در خصوص این بخشنامه ابراز عقیده کرد اجرای قاطعانه قانون تدبیر صحیح قضایی نیز است و این بخشنامه ریاست محترم قوه قضائیه بیانگر توجه ویژه ایشان به جنبه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، و جرم‌شناختی اجرای احکام است براساس این بخشنامه انتشار عکس و تصاویر مربوط به

اعدام در رسانه‌ها نیز ممنوع بوده و دادستان‌های عمومی و انقلاب هر حوزه قضائی مأمور نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه شدند.<sup>۱</sup>

### ارائه راهکار مناسب جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و آثار منفی آن

راهکاری که می‌شود ارائه داد این است که اجرای مجازات در موارد خاصی که ذکر گردید، به طور علنی اجرا گردد و نه در ملاعام.

توضیح اینکه: همانگونه که برگزاری محاکمه به طور علنی، به این معناست که در محل خاصی برگزار شده و ممانعتی از حضور افراد در جلسه مذکور صورت نمی‌گیرد، اجرای مجازات نیز بایستی در محلی خاص اجرا گردد و قبلاً اجرای آن به اطلاع مردم برسد تا کسانی که مایل به حضور هستند، جهت مشاهده آن حضور یابند.

این امر آثار منفی مشاهده صحنه مجازات را بر افرادی که از نظر روحی، آمادگی دیدن آن را ندارند و در صورت اجرای آن در میداين و محل تردد مردم، ناخواسته با آن روبرو می‌شوند را کاهش می‌دهد.

با توجه به آموزه‌های کیفری اسلام، به این نتیجه می‌رسیم که در مواردی که اجرای مجازات بطور علنی اجرا می‌گردیده است، در مکانی خاص که به همین منظور تعیین شده بود، اجرا می‌گردیده است.

در زمان حکومت حضرت علی (ع) در بیرون شهر کوفه، محلی خاص به اجرای مجازات رجم اختصاص داشت و به هنگام اجرای آن، حضرت علی (ع) از مردم دعوت می‌نمود تا برای اجرای مجازات رجم، از شهر خارج شده و در محل مذکور حضور یابند. (حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۶.ق: ۵۵)

بعلاوه طبق اجماع فقهاء اسلامی، مستحب است که حاکم اسلامی، هرگاه تصمیم به اجرای مجازات زنا گرفت، خبر اجرای آن را به اطلاع و آگاهی مردم برساند.

از این تعابیر استفاده می‌شود که اجرای مجازات بایستی در محلی خاص که به همین منظور تعیین گردیده صورت گیرد. چرا که هرگاه اجرای مجازات در میداين و یا محل تجمع و آمد و شد مردم مدنظر باشد، با توجه به حضور مردم در این قبیل مکان‌ها، اعلان و اطلاع رسانی به مردم و دعوت از آنان برای حضور در محل اجرای مجازات، تحصیل حاصل می‌باشد.

---

۱. www.arazit. Com.

۲۷۶. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

یکی از محاسن اجرای مجازات در اماکن خاص، امکان تفکیک بین حاضرین و کنترل بیشتر محل می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد که از حضور اطفال و کودکان در صحنه مجازات، ممانعت بعمل آید، چرا که اولاً، آنان درک صحیحی از مجازات نداشته و ثانیاً، مشاهده صحنه مجازات در روان کودکان، به لحاظ برخورداری از تأثیرپذیری بالا، آثار مخربی بر جای می‌گذارد.

اجرای مجازات در محلی مخصوص، امکان کنترل بیشتر افرادی را که قصد تهیه فیلم و یا عکس از صحنه مجازات داشته، تا آن را دستاویزی برای حملات تبلیغاتی خود علیه احکام شریعت اسلام قرار دهند، فراهم می‌سازد.

امروزه هدف از اجرای مجازات دوباره بازگرداندن فرد - در حد امکان - به آغوش جامعه است. فردی شرافتمند عاری از صفات بزهکاری. پس این منطقی نیست که مجازاتی را پیش‌بینی و اجرا نمائیم بدون اینکه اطلاعاتی در مورد خصوصیات شخص و عوامل ایجاد جرم داشته باشیم. (توانا، ۱۳۷۷: ۴۴)

جامعه باید از خواب سنگین و طولانی خود بیدار شود و به تغییرات و شناخت‌های جدید خویش آشنا گردد کوشش کند که زمینه‌های ارتکاب جرم را محدود و نابود سازد و در خنثی ساختن مجرمیت و جرم بکوشد، اشکالات و خلل‌های خود را بشناسد و موقعیتی مناسب در اختیار بزهکار دیروز بگذارد تا او را رانده و خسته از جامعه‌ای که به او پشت می‌کند، تحقیرش می‌نماید و آزارش می‌دهد، مقاومتش در هم نشکند، ناامید نشود و به دنیای تاریکی‌ها باز نگردد. روشنائی انسان‌ها را به سوی خود می‌خواند چرا مجرم به سوی آن پرواز نکند؟ مگر نه آنکه او نیز انسانی است چون همه انسان‌ها که لازم است اشتباهات خود را اصلاح کند، به جامعه دل ببندد و کوشش نماید تا از جرگه حاشیه‌نشینان خارج شود ... جدا شدگان از معیارهای اجتماعی را باید با معیارهای انسانی به جامعه بازگرداند و نه با الهام از الگوهای نفرت و خشونت. (نوربها، ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۲۲)

برای تعیین شکل واکنش اجتماعی مناسب در قبال بزهکار و در هر مورد ملموس، در محدوده‌های بسیار وسیعی که قانون برای او مشخص می‌کند، ضروری است. در واقع، قاضی باید کیفیات و روش‌های موجود برای اجرای مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی را بشناسد تا بتواند کیفر یا اقدام تأمینی را با توجه به شناختی که از شخصیت بزهکار دارد انتخاب کند تا به وی اجازه دهد در بهترین شرایط به سازگارسازی مجدد اجتماعی دست یابد. (بولک، ۱۳۸۵: ۶۱)

اگر ثابت شود که بعضی نقص‌ها و کمبودهای جسمانی یا روانی در بزهکار شدن افراد نقش داشته است، در آن صورت رژیم اجرای کیفر، باید متضمن شیوه رفتار مناسبی برای رفع این کمبودها باشد. (بولک، ۱۳۸۵: ۳۳) افلاطون نیز معتقد بود که «اگر کسی مرتکب جرمی شد، قانون باید به او بیاموزد که دیگر آن را تکرار نکند» و همچنین سزار بکاربا معتقد بود که: برای مؤثر واقع شدن و ارباب‌انگیزی، مردم باید مجازات‌ها را ببینند. رأی کیفری که با الحاق نسبی مردم روبرو نشود محکوم به عدم اجرای کامل و کارایی کامل و مفید است. (موسوی حجاب، بی تا: ۳۰) بنابراین نباید برای جلوگیری از ارتکاب جرم چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان، دست به اقداماتی زد که انسانیت فرد را لکه‌دار و تخریب کند بلکه بایستی با به‌کاربردن روش‌های دقیق علمی و تجربه شده بزهکار را بازسازی کرد تا از سربار بودن برای جامعه به طور دائمی رهایی یابد. چنین اقدامی امکان‌پذیر نیست مگر از طریق مطالعات علمی دقیق و ارزیابی آن‌ها در مراحل مختلف، تا میزان تأثیر اینگونه اقدامات و جهات مثبت و منفی آن‌ها معلوم گردد و به رفع نقایص پرداخته شود. هدف کیفر تحمیلی به بزهکار، تنها برقراری تعادل اجتماعی، تنبیه خطای اخلاقی ارتكابی و مجازات مجرم به لحاظ عدم رعایت وظایف اجتماعی و ارضای افکار عمومی نگران و منزجر نیست. علاوه بر آن، لازم است که هر مجازات آن طوری انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را ایفا کند. مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، دیگر بار چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان تکرار نشود. بنابراین باید کوشش کرد تا مجرم چه از طریق تهدید و چه از طریق اصلاح و سازگارسازی مجدد، دیگر مرتکب جرایم جدید نشود. معه‌ذا، اگر کوشش‌های انجام شده در این راستا نهایتاً بی‌فایده بود، در آن صورت باید جامعه را از شر این فرد خطرناک راحت کرد. (بولک، ۱۳۸۵: ۳۱)

### نتایج:

در پایان بررسی فقهی، حقوقی و جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی اجرای علنی مجازات‌ها، نتایج زیر بدست می‌آید:

۱. اجرای علنی مجازات اهداف مجازات را محقق نمی‌سازد.

مهمترین هدفی که از اجرای علنی مجازات تعقیب می‌گردد، پیشگیری عام می‌باشد لکن بایستی توجه داشت که هر چند ممکن است در کوتاه مدت، به لحاظ شوکی که

۲۷۸. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

در اثر نمایش مجازات به جامعه وارد می‌گردد، آمار جرائم کاهش یابد، لکن مطمئناً در درازمدت، خصوصاً اگر اجرای مجازات در ملأعام بنحو گسترده صورت گیرد، نه تنها موجب پیشگیری و ارباب عمومی نخواهد گردید بلکه نتیجه عکس داده و می‌تواند موجب افزایش جرم گردد.

تجربه بشری نشان می‌دهد که سختی و خشونت مجازات‌ها و با به نمایش گذاردن آن، تأثیری در پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته بلکه آنچه موجب پیشگیری و ارباب عمومی می‌گردد، اجرای حتمی و قطعی مجازات ولو سبک و خفیف، می‌باشد.

اجرای مجازات در ملأعام، به شخصیت و کرامت انسانی فرد مجرم که موثرترین عامل بازدارنده از ارتکاب جرائم بعدی است، لطمه جدی وارد ساخته و همین امر موجب می‌گردد تا اصلاح و بازگشت وی به جامعه، غیرممکن و یا دشوار گردد. در نتیجه وی به مجرمی خطرناک تبدیل شده و هرگاه شرایط فراهم آید، از افراد جامعه که روزی شاهد درد و رنج او بوده‌اند، انتقام خواهد گرفت و همین امر، زمینه ارتکاب جرائم بیشتر و بلکه مهمتری را فراهم می‌سازد.

اجرای مجازات در ملأعام بنحو گسترده و در مورد جرائم کم اهمیت، می‌تواند نظم اجتماعی و بهداشت روانی جامعه را مختل سازد، اجرای مجازات خصوصاً اعدام، در انظار عمومی، بر انسجام طبیعی جامعه اثر منفی گذارده و آثار منفی روانی بدنبال خواهد داشت.

۲. در حقوق کیفری اسلام و حقوق کیفری مدرن، رعایت سه اصل قانونی بودن، تساوی و شخصی بودن مجازات‌ها ضروری شناخته شده است و این اصول را بعنوان اصول بنیادین حاکم بر اجرای مجازات‌ها معرفی نموده‌اند.

همانگونه که بایستی مجازات اعمال شده از نظر نوع و میزان با آنچه در قانون آمده است، مطابقت داشته باشد، شیوه اجرای آن نیز بایستی مطابق قانون باشد. در غیر اینصورت، مخالف با اصل قانونی بودن مجازات‌ها، خواهد بود. اجرای مجازات‌ها در ملأعام به جز اجرای حد محاربه، با اصل قانونی بودن مجازات‌ها منافات دارد، چرا که همانگونه که در مبحث تبیین فقهی مساله، اثبات گردید، ادله فقهی که منشاء قوانین جزائی کشور است، اجرای مجازات در ملأعام را برنمی‌تابد.

بعلاوه به لحاظ اینکه تصمیم‌گیری راجع به محل اجرای حکم، به نظر و رأی دادگاه واگذار شده است و از سوئی قضات محترم، در مورد اجرای مجازات در ملأعام، نظرات متفاوتی دارند، اصل تساوی مجازات‌ها نیز تهدید می‌گردد. چرا که ممکن است

دو مجرم با شخصیت و شرائط کاملاً یکسان که مرتکب جرم واحدی گردیده‌اند، تنها به لحاظ دیدگاه متفاوت قضات، یکی در خفا و دیگری در انظار عمومی مجازات گردد، در حالی که اجرای مجازات در ملاعام مجازاتی مضاعف است.

و همچنین اجرای مجازات در ملاعام بدون در نظر گرفتن آبرو و حیثیت افرادی که تحت تکفل مجرم می‌باشند می‌تواند آثار روانی شدید بر خانواده و بستگان مجرم تحمیل نماید. رسوایی و بی‌حیثیتی ناشی از اجرای مجازات در ملاعام که دامن خانواده و بستگان مجرم را فرا می‌گیرد چه بسا اعتدال روانی آنان را به هم زده و آنان را به نوبه خود مایوس و دشمن جامعه و در نتیجه تبهکار می‌سازد. بنابراین آن‌ها هم به تبع مجازات مجرم در ملاعام مورد تحقیر قرار می‌گیرند. با توجه به این مسأله به نظر می‌رسد که اجرای علنی مجازات‌ها، اصل شخصی بودن مجازات‌ها که یکی از اصول بنیادین حاکم بر حقوق کیفری است بیشتر تقابل را دارد.

۳. با بررسی اجرای مجازات در ملاعام از منظر جامعه‌شناسی جنایی، به این نتیجه می‌رسیم که نمایش مجازات می‌تواند آثار منفی فردی و اجتماعی فراوانی بدنبال داشته باشد.

مهمترین اثر منفی فردی آنست که اصلاح و بازگشت مجرم را به جامعه غیرممکن و یا لاقلاً دشوار می‌سازد. فردی که در انظار عمومی تحقیر و مجازات می‌گردد و شخصیت و حرمت انسانی او به شدت آسیب‌دیده و این تنها عامل کنترل‌کننده درونی در مقابل آلوده شدن به گناه و تباهی از بین می‌رود، امیدی به اصلاح و بازگشت او به جامعه نمی‌رود و بر فرض اگر روزی بخواهد به جامعه باز گردد، با توجه به اینکه شأن و حیثیت او از بین رفته است، جامعه آمادگی پذیرش وی را نداشته و او را طرد می‌نماید.

اجرای مجازات در ملاعام می‌تواند روحیه خشونت‌ورزی و انتقام‌جویی را در جامعه گسترش دهد.

مشاهده مکرر صحنه مجازات اعدام، باعث می‌گردد که افراد جامعه، حساسیت خود را نسبت به مرگ انسان‌ها از دست بدهند، به گونه‌ای که پس از مدتی نه تنها از دیدن صحنه مجازات متأثر نشده و عبرت نگیرند، بلکه آن را نوعی تفریح و سرگرمی به شمار آورند.

۲۸۰. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

یکی دیگر از آثار منفی اجرای مجازات در ملأعام، در عصر کنونی، وهن اسلام و نظام اسلامی است. این در حالی است که حفظ حیثیت و آبروی اسلام، مصلحت والائی است که هیچ مصلحتی با آن برابری نمی‌کند.

اجرای مجازات در ملأعام می‌تواند چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از اسلام عزیز به جهانیان ارائه نموده و مانع گرایش شیفتگان به اسلام گردد. وجود تصاویر و گزارش‌های فراوان از صحنه رقت‌بار اجرای مجازات علنی در کشورهای اسلامی، حاکی از سوءاستفاده دشمنان اسلام از این موضوع، جهت ارائه چنین چهره‌ای از اسلام می‌باشد.

به اجماع فقهاء، هرگاه اثبات گردد که اجرای مجازات خاصی، موجب وهن اسلام است، اجرای آن مشروع نبوده و بایستی متوقف گردد، بنابراین به طریق اولی هرگاه کیفیتی خاص که شرط اجرای مجازات نیز نمی‌باشد موجبات وهن اسلام را فراهم نماید، اعمال آن کیفیت جایز نبوده و بایستی متوقف گردد.

۴. علیرغم اینکه اجرای مجازات در ملأعام، آثار و پیامدهای منفی فراوانی بدنبال دارد لکن در موارد نادر هرگاه ارتکاب جرمی شنیع، احساسات و عواطف افراد جامعه را بطور وسیع و گسترده، جریحه‌دار نموده و امنیت و آسایش عمومی را مختل سازد، اجرای علنی مجازات آن مفید بوده و می‌تواند به ترمیم احساسات جریحه‌دار شده قربانیان جرم و عموم مردمی که از جرم ارتكابی بشدت متأثر شده‌اند، کمک نماید. کما اینکه در شرع مقدس اسلام نیز نسبت به جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، شدت عمل بیشتری صورت گرفته و طبق قوانین جزائی اسلام، مجازات فرد محارب در برخی شرائط، به صلیب کشیده شدن وی بمدت سه روز می‌باشد که ظاهراً فلسفه این حکم علاوه بر پیشگیری عمومی، ترمیم احساسات و عواطف عموم افراد جامعه است که تحت تأثیر جرم ارتكابی بشدت لطمه دیده است.

در این موارد نادر و استثنائی، بایستی ضوابطی اعمال گردد تا حتی‌الامکان آثار منفی آن کاهش یابد.



منابع:

منابع فارسی

۱-۱. کتب

منابع این مقاله، پس از قرآن کریم، به شرح زیر است:

- فرانک پی . ویلیامز ماری لین دی. مک شین؛ نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- برناربولک؛ کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر مجد، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
- نوربها، رضا؛ زمینه جرم‌شناسی، نشر گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- نجفی توانا، دکتر علی؛ جرم‌شناسی، نشر خط سوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ستوده، دکتر هدایت الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴.
- کیت سوتیل، و ...؛ درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۱.
- جرج ولد، و...؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰. وضعیت مجازات اعدام، کانون تبلیغاتی طه، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۱-۲. قوانین

- منصور، جهانگیر؛ مجموعه قوانین و مقررات جزائی، تهران، نشر دیدار، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
- ناصرزاده، هوشنگ؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی (آئین دادرسی کیفری)، تهران، انتشارات خورشید، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش.
- ناصرزاده، هوشنگ؛ قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر دیدار، چاپ هفتم، ۱۳۷۵
- شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، تهران روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳، ج ۱.

٢٨٢. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ۱۳۹۸

## ٢. منابع عربی

- الامدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق! محمد سعید الطریحی، بیروت، دارالقاری، الطبعة الاولى، ۱۴۰۷ق.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۱ق.
- عکاز، احمد؛ فلسفه العقوبه فی الشریعه الاسلامیه و القانون، شرکه مکتبات عکاظ للنشر و التوزیع، الطبعة الاولى ۱۴۰۲ق.
- الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر؛ تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه ال بیت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق.
- الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر؛ کشف المراد، تصحیح: حسن زاده آملی، قم، انتشارات اسلامی، [بی تا]
- البخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
- التمیمی البکری (فخررازی)، محمد بن عمر بن الحسین؛ التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الثالثه، ۱۴۱۶ق.
- الحلبي، ابوالصلاح؛ الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه امیر المومنین علی (علیه السلام)، [بی تا].
- الحلبي، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۶ق.
- خضر، عبدالرحمن؛ شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیه البغدادی، [بی جا]، مکتبه دارالکتب العربی، الطبعة الرابعه، [بی تا].
- الدوری، عدنان؛ علم العقاب و معامله المذنبین، کویت، انتشارات ذات السلاسل، الطبعة الاولى، ۱۹۸۹م.
- رازی، ابوالفتوح؛ روح الجنان، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- (سید) رضی، محمد بن ابی احمد حسنی؛ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ش.
- رواس قلعه جی، محمد؛ موسوعه فقه علی بن ابیطالب، بیروت، دارالنفايس، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق.
- السراج، عبود؛ علم الاجرام و علم العقاب، جامعه الكويت، الطبعة الثالثه، ۱۴۰۶ق.

مبانی نظری اجرای علنی مجازات‌ها از منظر جامعه‌شناسی جنایی.....۲۸۳

- السیوری الحلّی، (فاضل مقداد)، مقدادبن عبدالله؛ مختصر الشرائع، تهران، المكتبه المرتضویه، [بی تا]
- السیوری الحلّی، (فاضل مقداد)، مقدادبن عبدالله؛ نضد القواعد الفقہیہ، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۳ق.
- شافعی، محمدبن ادريس؛ احكام القرآن، بیروت، دارالمکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
- الشوکانی، محمدبن علی؛ نیل الاوطار، بیروت، دارالجیل، [بی تا].
- صدر، سید محمد باقر؛ اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة السادسة عشر، ۱۴۰۲ق.
- الطباطبائی، السید محمد حسین؛ المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ق.
- طوسی، خواجه نصیر الدین؛ تجرید الاعتقاد، تحقیق: محمدجواد حسینی جلالی، مکتب الاعلام الاسلامی.
- الطوسی، محمدبن الحسن بن علی؛ تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳ق.
- عبدالقادر القهوجی، علی؛ علم الاجرام و علم العقاب، انتشارات الدار الجامعیه.
- جندی، عبدالملک؛ الموسوعه الجنائیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق.
- عبدالمنعم، سلیمان؛ اصول علم الاجرام و الجزاء، بیروت، الموسسه الجامعیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ق.
- العمر، محمد احمد؛ (تدوین کننده)، قانون اصول المحاکمات الجزائیه البغدادی، بغداد، الناشر محمد احمد العمر، ۱۹۴۸م.
- عوده، عبدالقادر؛ التشریح الجنائی الاسلامی، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الثالثه عشر، ۱۴۱۵ق.
- الغروی النائینی، محمد حسین؛ قواعد الاصول، تقریر شیخ محمد علی کاظم الخراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- الغزالی، ابو حامد محمدبن محمد؛ المستصفی، بیروت، دارصادر، الطبعة الاولى، ۱۳۲۲ق.
- القزوینی (ابن ماجه) محمدبن یزید؛ سنن ابن ماجه، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالجیل، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.

- ٢٨٤.تحقيقات حقوقى تطبيقى ايران و بين الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، زمستان ١٣٩٨
- القمى (شيخ صدوق)، محمدبن على بن الحسين بن بابويه؛ من لا يحضره الفقيه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١١ق.
  - (سيد) مرتضى؛ الذريعه الى اصول الشريعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بى تا].
  - المر صفاوى، حسن صادق؛ قانون اجراء الجنائيه، [بى جا]، منشاه المعارف بالاسكندريه، ١٩٩٠ م. ١٤٠٢ ق.
  - مكى العاملى، محمدبن جمال الدين؛ القواعد و الفوائد، قم، انتشارات مكتبه الداورى، [بى تا].
  - موسى الاردبيلى، السيد عبدالكريم؛ فقه الحدود و التغيريات، منشورات مكتبه اميرالمؤمنين (ع)، الطبعة الاولى، ١٤١٣ق.
  - (امام) الموسوى الخمينى، سيد روح الله؛ تحرير الوسيله، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار الامام الخمينى، الطبعة الاولى، ١٤٢١ ق.
  - منتظرى، حسين على؛ دراسات فى ولايه الفقيه، قم، مركز العالمى للدراسات الاسلاميه، الطبعة الاولى، ١٤٠٨ ق.
  - النجفى (صاحب جواهر)، محمدحسن؛ جواهر الكلام، تهران دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الثانيه، ١٣٦٣ ش.
  - نجيب حسنى، محمود؛ شرح قانون العقوبات اللبنانى (القم العام)، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقيه، الطبعة الثالثه، ١٩٩٨ م.
  - الونشريسى، احمدبن يحيى؛ المعيار المعرب، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٤٠١ ق.